Kuhl al-Jawāhir
(persian)

كحل الجواهر (فارسی)

مصنف

حضرت شيخ عبد الاحد وحدت سرهندي مجددي

وفات 1716 / 1127هـ

(بن شيخ محمد سعيد بن شيخ احمد سرهندي)

Manuscript details:
Abdulahad Wahdat Sirhindi, *Kuhl al-Jawāhir*, Istanbul,
Bayazid Davlat Library, Bayazid section,
inventory: 3823, ff. 18a-21b.

بسم الله الرحمن الرحيم

ذکر طریق کیفیت سلوک طریقهٔ مجددیه و بیان لطائف عشره

حضرت شیخ عبد الاحد دلیل الله الصمد را درین باب مکتوبیست بغایت متین و مسمی است بکحل الجواهر بعینه ایراد می یابد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و السلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد چون سالک از حجاب هستی و خویشتن پرستی بیرون آید و دیدهٔ باطنش به کحل الجواهر معرفت مکتحل گردد لا محاله ایاتی و کراماتی که در نفس وی بحکم کریمه وفی انفسکم افلا تبصرون ای وفی انفسکم ایات عظیمه افلا تبصرون که مودع است براه بصرت شاهده نماید بعد ازان بمقتضای من عرف نفسه فقد عرف ربه باز در بارگاه قدس باید برخی از حقائق و ایات که در قالب انسانی تعبیه نموده اند مذکور میگردد بگوش هوش استماع نمایند باید دانست که انسان که عالم صغیر عبارت از انست مرکب از اجزاء عشره است که اصول آنها در عالم کبیر است و عالم کبیر عبارت از مجموعهٔ کائنات است چه خلق و چه امر پنج ازان از عالم امر که قلب

و روح و سرّ و خفی و اخفی باشد و پنج ازان عالم خلق است
که نفس و عناصر اربع باشد چنانچه اصول عناصر در عالم
خلق موجود اند همچنین اصول لطائف خمسه مذکوره
در عالم امر که عبارت از فوق العرش است و بلامکانیست
متحقق و فوق عرش مجید و تحت اصول دیگر اصل قلب است
و لهذا قلب را برزخ در میان عالم خلق و امر فرموده اند چه منتهای
عالم خلق عرش مجید است و باینوجه که عرش منتهائی عالم
خلق است و روئی بامر دارد وی را نیز برزخ گفته اند و فوق اصل
قلب اصل روح است و فوق آن اصل سرّ و فوق آن اصل
خفی و فوق آن اصل اخفی است چون حق جل و علا خواست
که انسان را بمقتضائی حکمت بالغه باین نوع ترکیب دهد
بعد از تسویهٔ قالب هر یکی ازین لطائف خمسه را تعلق
و تعشق باین عنصر جسمانی داده از فوق العرش فرود
آورده بمقام خاص که هر یک را بآن مقام مناسبت بود
متمکن ساخت لطیفهٔ قلب را درین مضغه که در تحت پستان
چپ است و قلب صنوبریش خوانده جا داده اند و
صنوبریش برائی آن گویند که مانند ثمر صنوبر مقلوب است
و اصل الاصل این لطیفه صفت اضافیه حق است که عبارت
از فعل و تکوین است و کمال این لطیفه آنست که فعل حق جل و علی در

فانی و مستهلک شود گردد و بهمان فعل بقا یابد و این زمان
سالک خود را مسلوب الفعل خواهد یافت و افعال خود را
منسوب بحق جل و علی خواهد ساخت و فنائی قلب و
تجلی فعل کنایت از همین مقام است و نشان است که تعلق
علمی و حبی بغیر حق نماند قلب را ماسوی را مطلقا فراموش
سازد بحدیکه اگر سالها تکلف نماید یک لحظه یاد ماسوی
نتوان کرد درین هنگام چنانکه علم اشیا از وی زایل شده محبت
اشیا بطریق اولی رخت بربسته باشد چون سالک به فنائی
قلب مشرف شد داخل جماعه اولیا گشت و این فناء قلب
بقطع تمام دایرهٔ امکان که عبارت از ذکر فرش تا عرش و از
عرش تا تمامی عالم امر باشد و بقطع مراتب عشره که صوفیه
علیه بیان فرموده اند صورت نه بندد و نور قلب نور زرد است
و ولایت این لطیفه زیر قدم حضرت آدم است علی نبینا و علیه
الصلوة والسلام و هرکه اولی آنمشرف گشت وصول او
بجناب قدس از همین لطیفه خواهد بود مگر بقسر و کشش
پیر کامل صاحب آن مشرب را استعداد حصول یکدرجه
از درجات ولایت پنجگانش خواهد بود مگر بقسر قاسر
و لطیفه روح را چون الطف است و از قلب مناسبت
بر آستان زیاده بود بنابران ویرا جانب راست از سینه

درته پستان جا داده اند و اصل الاصل این لطیفه صفات
ثبوتیه حق است و یک گام بحضرت ذات نزدیک تراست
سالک بعد از حصول فنائی این لطیفه که مربوط است
بتجلی صفات خودرا از خود مسلوب خواهد یافت بلکه منسوب
بجناب اقدس خواهد داشت و نور این لطیفه را نور سرخ فرموده اند
و ولایت این لطیفه زیر قدم حضرت ابراهیم است علی نبینا و
علیه الصلوة والسلام هرکه ابراهیم المشرب است وصول او بجناب
اقدس از راه همین لطیفه خواهد بود بعد قطع مراتب قلب و
صاحب این شرب را استعداد دو درجه از درجات ولایت
پنجگانه الا اقسر قاسر لطیفه سر که از روح الطف است
و یرا نزدیک وسط سینه جانب چپ جا داده اند و اصل
الاصل وی شیونات ذاتیه اند که گامی از صفات بحضرت
ذات نزدیک تر اند و حصول فنائی این لطیفه بتجلی شیونات
ذاتیه خواهد بود و نور این لطیفه را نور سفید نشان نموده اند
و ولایت این لطیفه زیر قدم حضرت موسی است علی نبینا
علیه الصلوة والسلام هرکه موسی المشرب است وی
وصول او بجناب قدس از راه همین لطیفه خواهد بود
اما بعد قطع لطائف سابقه و صاحب این مشرب را
استعداد سه مرتبه از مراتب پنجگانه ولایت الا اقسر

من القاسر و لطیفۀ خفی را که از سر الطف است مابین روح و وسط
سینه جا داده اند و اصل الاصل این لطیفه صفات سلبیه
تنزیهیه است که فوق شیونات ذاتیه اند و حصول فنائی این
لطیفه وصول به تنزیه بهمان صفت است و نور این لطیفه را نور
سیاه یقین نموده اند و ولایت این لطیفه زیر قدم حضرت
عیسی است علی نبینا و علیه الصلوة والسلام و هر که عیسی
المشرب است براه او بجناب قدس از همین لطیفه خواهد
بود بعد قطع لطایف سابقه الا النفس من القاسر و صاحب
این شرب را استعداد حصول چهار مرتبه است در مراتب
پنجگانه ولایت لطیفه اخفی الطف و احسن و اجمل لطائف
عالم امر است و اقرب است بحضرت اطلاق و برا در وسط سینه
که مرکز است و مناسبت تام بحضرت اجمال دارد جا داده اند و اصل
الاصل این لطیفه مرتبه است که کالبرزخ است درمیان مرتبه تنزیهی
و احدیت مجرده و فنائی این لطیفه هم مربوط بتجلی بهمان مرتبه
مقدسه است و نور این لطیفه نفیسه نور سبز بهمان فرموده اند
و ولایت این لطیفه زیر قدم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و علی اله و اصحابه وسلم است و صاحب المشرب اعلی را بذات
استعداد حصول تمام مراتب پنجگانه ولایت است از زبان الهام
ترجمان حضرت قطب الاقطاب شنیده ام که حضرت مجدد

الف ثانی رضی الله تعالی عنه روزی چنین گوهر فشاندند که ادائی صلوة
در غلس مر فنائی اخفی است باید دانست که عروج لطائف
خمسه عالم امر تا دایره اولی ولایت کبری که متضمن سه
دایره و یک قوس است خواهد بود چون از ان دایره معامله رود
در دایرهٔ اصل الاصل سیر افتد معامله با نفس خواهد افتاد و
نفس بفنائی اتم و بقائی اکمل و شرح صدر و اسلام حقیقی و بحصول
اطمینان و بادر ثقا و بمقام رضا شرف خواهد شد بعد از ان
اگر سیر در ولایت علیا افتد معامله با سه عنصر یعنی ناری
و هوائی و مائی خواهد افتاد و اگر آنجا بفضل او تعالی شرف واقع
شود در کمالات نبوت سیر واقع شود و معامله با جزائی ارضی
خواهد افتاد در انجا اگر ترقی واقع شود خواه در کمالات رسالت خواه
حقائق ثلثه یعنی حقیقت کعبه و حقیقت قرآن و حقیقت صلوة
معاملهٔ ماهیت وحدانی که از مجموع اجزاء عشره است عالم خلق
و عالم امر بعد از حصول هر کمالات هر یک فردا فردا حاصل شده
خواهد افتاد بعد از ان معامله از عقل و فهم ما و شما برتر است
الله سبحانه و تعالی بمحض عنایت بی‌غایت خویش از
کمالات بهره تمام فرماید انه قریب مجیب بحمد الله
سبحانه که بطفیل حضرات عالی درجات قدس الله
باسرارهم العالیه بایشان نسبت مذکوره و دیگر معاملات که نسبت

بیانی معا

باین معاملات. کالسماء مِنَ الْأَرْض بهره بقدر الاستعداد
بل فوق استعداد کرامت فرموده این ذره را از خاک ندامت
و مذلت برداشته هم عنان آفتاب ساخته شکر اینمرتبه را
اگر هزار سال بصد هزار زبان بهر زار آن آداب اظهار نماید
یکی از هزار بمنصه ظهور نیاورد قل الحمد لله و المنة کما یلیق بشانه
و یجری والسلام علی رسوله واله وصحبه البررة التقی اظهار این قسم
سخنان اگرچه مواهم افتخار و مباهات است اما بموجب اظهار
النعمة من الشکر لاسیما عند الاحیاء المخلصین المطلعین
علی الاسرار المشتاقین لذالک الاثار و الاخیار مذکور نموده شد
رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِيْنَا اَوْ اَخْطَأْنَا بحرمت
منه سیدنا محمد النبیّ الامیّ العربی صلی الله علیه وسلم
و در آخر این مکتوب اینفائده نیز تحریر فرموده اند عادة
مشایخ کرام آنست که سالک مبتدی را بدل بذکر قلب
مشغول سازند تا هر جوهر و ملکه شود و بعد ازان ذکر روح
فرمایند و بعد ازان ذکر اخفی بعد ازان ذکر نفس محلها
الدماغ بعد ازان اگر خواهند ذکر سر و خفی فرمایند بعد ازان
سریان در تمام اعضا تا حصول ملکه و سلطان ذکر شود و بسا است
که بر ذکر قلب روح و اخفی کفایت نمایند و گاه بر قلب تنها
اکتفا نمایند اما شرط است ذکر جوهر قلب گردد با دیده شده است

که بمجرد ذکر قلب کفتن سلطان ذکر وسهر سریان در سائر
اجزاء متحقق گردیده باالجمله بقدر استعداد مبتدی
سلوک بایه نمود والسلام علی من اتبع الهدی

تمت تمام

صاحب این رساله قطب الواصلین و قدوة الکاملین ولی الله الصمد حضرت
شیخ عبدالاحد ملقب بدلیل الرحمن بن خازن رحمت محمد سعید بن الامام الربانی
حضرت احمد الفاروقی السهرندی المجدد للالف الثانی قدس الله تعالی اسرارهم
واطلع علینا انوارهم اند که ایشان بعد از سنه هزار و صد و بیست و شش از دار فنا
بعالم بقا تشریف فرموده اند و در خاک عطرناک سهرند در پیش مزار عم بزرگوار خود آسوده